



سفر در سلوک هایکو

سید علی صالحی

چرخه استحال و منظومه لذت، جا خواهی ماند. هایکو وجودی آشکار اما حضوری محرمانه دارد، هنر دیدن و خواندن آن، هیچ از عیش و عبادت سرودن آن کم ندارد. هایکو دعاست، و دعا همان دعوت است، و دعوت یعنی آمادگی. بدون آمادگی... در ضیافت این جادو، جایی برای نشستن نخواهی یافت. هایکو مثل القابای لذت، پدیده مشترک خانوار بشری است. هایکو، زاده ی سکوت از ازل آمده است، هیاهو ناپذیر است، چندان که حتی نمی شود آن را برای کسی خواند، چون مستقیماً به راز دیدن و جادوی تماشا باز می گردد. از گفتن تا شنیدن... فاصله ای هست که روح مخفی هایکو را فاسد می کند و به ما فرصت نمی دهد که به حواس واژه ها نزدیک شویم. در هایکو خبری از «گفتن» نیست، بلکه او... چگالی «چگونه گفتن» است. هایکو را نباید با صدای بلند حتی برای خود خواند، چون باز هم «تو» دو نفر خواهی شد، یکی که می گوید و دیگری که می شنود، هایکو نه گفتنی است و نه شنیدنی است، ملاقات مطلق با او تنها از طریق «دیدن» میسر است، آن هم در آئینی بی اراده که خود مولود مراقبه در لحظه موعود است. هایکو همان «تماشا» است، تماشای تکه ای از کلیت شیئی، و جهان، هستی و آدمی. شگفتا... هایکو... شعر نیست، دعای دانایی است در چینی ی حلول به هسته ی ذات، هایکو را در هر شرایطی نمی توان و نباید خواند و دید. کوچک ترین خلل و مزاحمت در ملاقات با هایکو، موجب گریز نهایی او می شود، در چنین شرایطی تنها جسد خود را برای تو باز می گذارد. برو... اما مراقب باش! هایکویی که در این لحظه با او ملاقات می کنیم، همان هایکویی نیست که ساعتی پیش از این دیده ایم. او - همان هایکو- هر بار اشاره ای تازه می کند. او نه آغاز است و نه پایان، پیش از آغاز، پایان می پذیرد و بعد از پایان... آغاز می شود.

او دایره ی دانایی است که با اوتار عجیبش، مکرراً علایم جهان و مزامیر زندگی را به ما نشان می دهد، اما هر بار با عطری دیگر و رویایی دیگرتر، خوشا که در هایکو نه نفرت راهی دارد و نه خشم و نه ستیز. او دعای صلح و صبوری آدمی است. او کامل ترین، ساده ترین، و معصومانه ترین شکل بیان عشق، رستگاری، و آزادی است. برو... اما مراقب باش!

۱. «سفر در سلوک هایکو» مقدمه هزار و یک هایکوی پارسی است که با عنوان «قمری غم خوار در شامگاه خزان»، امسال از سوی موسسه انتشاراتی نگاه منتشر خواهد شد.

● همه ی هایکوها یک هایکو بیش نیست و یک هایکو روح پنهان همه هایکوها را در خود حمل می کند. سفر در سلوک هایکو چنینم آموخته است، با این همه باز هم از خود پرسیده ام آیا تشدید و ژرف پذیری حساسیت ها - آن هم در یک سوم نهایی عمر- به کتمان در گفتن منجر نمی شود؟ و آیا باور به چنین کتمانی مرا به سوی درک و درایت هایکو هدایت نکرده است؟ آغاز حقیقت این راه به چند سال پیش از این باز می گردد؛ مدت ها بود که شعر هیچ سراغی از من نمی گرفت و تنها سه سطر، سه سطر ساده سروده بودم؛ «کسی از این راه عبور نخواهد کرد / جز باد / که او را نخواهی دید» بنا به راه و رسم همیشه خیال می کردم بسا پاره ای از یک شعر کامل است که فعلاً طلایه دار آن به دیدارم آمده است. هر چه منتظر ماندم، خبری نشد. جز پیشانی نبشت، ادامه کاروان کلمات در مه طلسم شده بود، تا شبی سرانجام پاره کاغذ باردار این رویا را مجاله کردم، اما پیش از پرتاب آن به مگاک فراموشی، ناگهان دریافتم این چند هجای موجز، خود یک شعر کامل است، مستقل است، اول و آخر است و این نخستین هایکوی من بود. گفتن این طور نمی شود و جست و جو آغاز شد، البته آرام آرام. می دانستم که این سلوک باید در من درونی شود. برای رسیدن به آن شهود شفاف، راهی نداشتم جز تمرین بازگشت به معصومیت دوران کودکی، زیرا هایکو معصوم ترین نوع بیان در حضور جهان است. به زادگاه بازگشتم - مرغاب - هم در سفری که نه پای رفتن می خواست و نه فرصت بی راه. رویاها خود به نوشتن آمدند. نمی دانم چه رخ داده است، اما هر چه هست، هایکو همان دعای دانایی است که مرا در این ایام نه به سوی سرودن جهان که به جانب دیدن هستی هدایت کرد، چه در کلمه و چه در طرح. در این سفر هرگاه کلمه کم می آوردم، طرح می زدم برای خودم. هایکو برای من حضور است، چه به رسم ترسیم، چه به بهای واژه. هایکو کوتاه ترین انعکاس هستی در کلمه به شمار می رود، اولاد آئین محض است. شکار آن صبوری می خواهد و نوشتنش شتاب. هایکو نمی خواهد مخاطب خود را چشم بسته در خانه اندیشه تنها بگذارد، بلکه فانوسی به او می دهد و از دور به خانه اندیشه اشاره می کند، می گوید: برو... اما مراقب باش! هایکو شعر اندیشه نیست، اندیشه بخشی از سپیدی ناپیدای اوست که بر جریده ی سیال زمان رقم می خورد، بدون مراقبه و حلول در هوش هایکو، سپیدخوانی آن غیر ممکن است. هایکو در متافیزیک چیدمان واژه ها رخ می دهد، حادث می شود و به حضور می رسد، درست مثل موسیقی «کیتارو» که اگر یک لحظه از مسیر مستمر و شنیداری آن غفلت کنی، از